



کدام شرکت‌های فرانسوی می‌روند؟

صفحه ۲

وطن امروز



از وجهه اجتماعی روحانیت غافل شدیم

صفحه ۱۲

تئیه‌های امروز

طرح جدید دولت برای تخصیص ارز اولویت‌بندی کالاها و ورود بارانه ارزی

بازگشت به دوران ارز مبادله‌ای



نشست شورای هماهنگی اقتصادی سران قوا برگزار شد

هدایت نقدینگی به بورس

صفحه ۳



ویژه‌نامه طنز راه‌راه را در شماره امروز بخوانید

صحنات ۵ و ۶ از ۱۳۹۱

سخنگوی دولت در واکنش به نامه ۱۰۰ فعال اصلاح طلب و ضد انقلاب: در شرایط فعلی هیچ منطقی مذاکره با ترامپ رانمی‌پذیرد

واکنش دولت به نامه خائنان

نوبخت: اینها عقل سیاسی کاملی ندارند

«تسلیم‌نامه» ۱۰۰ فعال سیاسی اصلاح طلب و ضدانقلاب خطاب به مسوولان نظام درباره مذاکره با ترامپ همچنان با واکنش‌های مختلفی روبه‌رو است اما در میان این واکنش‌ها و در شرایطی که برخی ناظران این نامه را بستر ساز جریان غربگر در دولت می‌دانند، سخنگوی دولت موضعی متفاوت گرفت. در مهم‌ترین واکنش‌ها سخنگوی دولت امضاکنندگان نامه را فاقد عقل سیاسی کامل دانست. اظهار نظر نوبخت به عنوان سخنگوی دولت موضع رسمی دولت در قبال این نامه محسوب می‌شود. وی این موضوع را روز گذشته در نشست هفتگی خود با خبرنگاران مطرح کرد. نوبخت در این زمینه اظهار کرد:



هشدار سازمان بازرسی به وزارت صنعت شناسایی متخلفان واردات خودرو

صفحه ۳

برای مذاکره درباره طرح معامله قرن صورت گرفت سفر نتانیاهو به اردن

صفحه ۱۵

به جای «تحریم خرید کالا»: «به هم رحم کنیم!»

میکائیل دباتی

۲ روز از راه‌اندازی کمپین «کالا نخیریم» علی کریمی گذشته و پس از پیوستن جمعی از سلبریتی‌ها به این کمپین، نقشه‌های جدی به آن سوی فعالان فضای مجازی و اقتصادی شروع شده است. کریمی هر قدر در فوتبال بازیکن موثری بوده، اینجا با ورود به یک موضوع کارشناسی بسیار مهم می‌تواند جامعه ایرانی را به بازی بگیرد! فارغ از متن دعوت که پر است از غلط نگارشی، ویرایشی و املائی، این نسخه کریمی با ایرادات جدی روبه‌رو است!

۱- آیا گرانی‌های موجود محدود به «ماشین» و «طلا» است که با تحریم خرید آنها همه مشکلات حل شود؟! پاسخ کاملا منفی است! امروز با یک گرانی فزاینده در تقریبا همه کالاها مواجه هستیم. شاید برای علی کریمی و کسانی هموزن اقتصادی با او مهم «کالاهای لوکس» باشد اما برای بخش بزرگی از جامعه که میانگین درآمدی آنها بین یک میلیون و ۲۰۰ هزار تا ۲ میلیون تومان است آنچه مهم است تا همین «سفره خانوار» است. مطالعات اقتصادی نشان می‌دهد «خط فقر مطلق» برای یک خانواده ۴ نفره شهری در سال ۹۶ حدود ۴ میلیون تومان و برای مناطق محروم حدود ۲ میلیون تومان است که این به معنای سبد مشخصی است که باید حداقل کالاهای اساسی را در بر داشته باشد؛ به نحوی که اگر فردی به آنها دسترسی نداشته باشد، سلامت فیزیکی، جسمانی و روحی‌اش به خطر بیفتد که شامل غذا، مسکن، خدمات سلامت، حمل‌ونقل و... است و همچنین درآمد ۶ درصد از جمعیت کشور هزینه غذای‌شان را تامین نمی‌کند. اسم این مرحله «خط گرسنگی» است و به آن معناست که درآمد یک خانوار حتی نمی‌تواند هزینه غذایی‌شان را تامین کند. در این شرایط خانوار کارگری با خریدن غذا و مایحتاج اساسی زندگی دچار اختلال کامل می‌شود. افزون بر رشد کالاهای مصرفی باید به رشد قیمت مسکن توجه داشت. خرید و فروش در بازار مسکن بالا نیست اما بالا رفتن قیمت مسکن در جامعه مستاجر ایران - نتایج سرشماری سال ۹۵ نشان می‌دهد ۳۱ درصد از مسکن مورد استفاده در کشور استیجاری است - فشار کم‌رشدی وارد می‌کند که آنها با تحریم استفاده از مسکن، محکوم به بی‌خانمانی خواهند شد!

۲- حتی در مصداق توصیه‌های هم این کمپین دچار اشتباه و سطحی‌نگری است. نگارنده معتقد است آنچه کریمی در صفحه اینستاگرامش گذاشته، به احتمال زیاد خود کبی از جای دیگری است که حالا به دلیل سلبریتی بودن کریمی پخش شده است اما فارغ از شخص «توصیه‌کننده»، «اصل توصیه شده»

امشب ایران مقابل اسپانیا صف آرایی می‌کند به نیت تاریخ‌سازی

صفحه ۱۲



عکس: شاپوهرنگر/ایستا

امیدواری و خودباوری تاریخی از پتربورگ تا کازان

فرفوتبال

با هدف تمرکز روی گل زدن و امتیاز گرفتن در لحظات حساس مسابقات ملی داشته‌اند. هنر کی‌روش این بود که این ظرفیت ملی را تشخیص داد و با تاکتیک‌هایی که در نظر اول ضدفوتبال می‌آمد، راهی برای از جریان انداختن بازی رقیب جهانی و تبدیل جریان بازی به بازدها و لحظات منقطع پیدا کرد تا ملی‌پوشان و ملت‌مان را در یک «آن» مقدس با هم متحد کند. فوتبالیست‌های ایرانی این روزها به وضوح فاقد یک سبک بومی یا ملی مشخص است اما همان‌طور که پیش از بازی با مراکش هم نوشته بودیم، این استاد کارکننده فوتبالی می‌تواند با تغییر تعاریف اساسی بازی شامل زمان، مکان و نحوه جابه‌جایی توپ، یک سبک کاربردی را بر اساس ذهنیت دفاع مقدسی ملی ما همراه با «خلاقیات‌های آتش به اختیار»، «فوذهای موشکی و پارتیزانی» و «حملات متمرکز ایستگاهی» به وجود آورد تا به‌رغم سقوط فوتبالی بومی، در میدان جهانی همچنان سربلندیمانیم.

فرفوتبال

زمانی که اینها را می‌نویسم ترن خواب زیر آفتاب شبانگاهی از میان جنگل‌های مناطق شمال مسکو به سوی کرانه‌های رود بزرگ ولگا در مناطق جنوبی‌تر که کازان در آن قرار گرفته تغییر جهت می‌دهد و به موازات سریال بی‌خوابی ما در شب‌های روشن روسیه، آسمان‌خراش‌های آل‌بیال‌مان در نبردی نزدیک و حیثیتی با آمریکا در بزرگ‌ترین رقابت جهانی در لیگ ملی هستند. از نگاه نسل‌های قبلی ورزشی نوسان و روزنامه‌نگاران ایرانی، نبرد توماوان و غرور آفرین ورزش‌های تیمی ما در دو جبهه نمایان شرق و غرب، نهایت آرزو و حتی نشانه شکوفایی و توسعه ملی کشور قلمداد می‌شود، حال آنکه نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از سوءمدیریت کارگزاران نه چندان خدمتگزار، باعث شده دستاوردهای بزرگ ورزشی اخیر نه به عنوان رهیافت اجتماعی و ملی، بلکه صرفا به چشم راه فرار برای فراموشی کابوس اقتصادی نگریسته شوند. اما غافل نشویم که خیزش ورزش‌های تیمی همراه با استقبال جمعی عظیم ملت، یک موهبت ملی برای همگرایی ما در زمانه‌های دشوار است که بیش از هر زمان دیگر برای نجات از فردیت لجام‌گسیخته‌ای که سرمایه‌داری و لیبرالیسم فاسد با ابزارهای سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای‌شان به آن دامن می‌زنند مورد نیاز است.

این یک حقیقت است که در این ۲ دهه ورزش ایران بویژه ورزش‌های گروهی با وجود سایه سنگین تابوی ورزش‌های انفرادی رزمی سنتی پیشرفت شگرفی داشته است.

ادامه در صفحه ۱۶

اسپانیا صعود کرد و با حذف فرانسه مدعی و چک نوظهور و شکست دوباره بر تغال اسکولاری با همراهی فیگو، دکو و رونالدو در فینال، فتحی تاریخی را رقم زد. آن شب جمعه عید، به عنوان یکی از حدود ۴۰ هزار شاهد ایرانی پیروزی تاریخی در پتربورگ بر مغرب - در حالی که حدود ۱۰ هزار مراکشی و همین حدود روس در ورزشگاه ۶۸ هزار نفری مدرن سن‌پترزبورگ حاضر بودند- دیده بودم که چطور در لحظات پیش از هر ضربه کاشته‌مان در نیمه دوم، هواداران ما به طور دسته‌جمعی دست به دعا می‌شدند و از خدا طلب گل می‌کردند و بیش از کاشته پایانی احسان حاج‌صفی، ذکر گفتن‌ها به اوج رسیده بود. گل به خودی دقیقه ۹۵ عزیز بوهدرین، مدافع حریف در حقیقت نقطه اوج و سرویس‌های آل‌بیال بود تا ورزشی مثل فوتبال در مسابقاتی بود که در آن ۱۱ مرد سپیدپوش ما در درون زمین به شکلی بی‌سابقه در اتحاد با یار دوازدهم‌شان روی سکوها در قالب یک پیکر واحد چنگیدند. تعلق این لحظات کسدار بیشتر مانند اوقات پیش از پرتاب‌های بسکتبال و سرویس‌های آل‌بیال بود تا ورزشی مثل فوتبال که بیشتر در جریان است تا در توقف. طی مدت زمانی نزدیک به ۲ ساعت، تیم ملی فوتبال ایران با رهبری کی‌روش، حس همبستگی مثبت و خلل‌ناپذیر بازیکنان و صیحه شیپور می‌تقنه‌ای که به مثابه مارش پیروزی با ترجیع‌بند «ایران - ایران» فضای ورزشگاه کریستوفسکی را قبضه و آن را به یک ورزشگاه آزادی دیگر تبدیل کرده بود، یک دگردیسی باورنکردنی در شبکه‌های متعدد داخلی و خارجی از جمله شبکه ۳ خودمان، ای‌اس‌بی‌ان آمریکا یا بی‌بی‌سی اسپورت و... زبان‌شان از گفتن آن الکن بود. یکی از مهم‌ترین آنها را از یکی از چند هزار روس که برای تشویق ایران به ورزشگاه آمده بودند، شنیدم. جالب اینکه او اهل مسکو بود نه پتربورگ و رشته مورد علاقه‌اش هم بسکتبال بود نه فوتبال و به نکته عجیبی اشاره کرد: «اینجا جام جهانی فوتبال است اما شما بسکتبال بازی کردید و بردید! اگر بتوانید به بسکتبال بازی کردن جلوی فوتبالیست‌های بزرگ اسپانیایی و پر تغالی ادامه دهید آن وقت گروه مرگ واقعا گروه مرگ می‌شود اما برای ستاره‌های بزرگ رقیب‌تان!» این زمانی بود که تسلاوی ۳-۳ اسپانیا و بر تغال هم مسجل شده و تیم «ایران صدرنشین گروه مرگ» به اخبار راه یافته بود. فوراً به یاد آوردم آخرین تیمی که به بسکتبال بازی کردن در زمین فوتبال مشهور شده بود، یونان بود که با فوتبالی ابردفاعی، فیزیکی و هوایی، با بستن تمام فضاهای زمین، از گروه دشوارش در یورو ۲۰۰۴ شامل بر تغال (میزبان)

شروین طاهری: گویا قرار است سنت قطارنویسی در ستون جام جهانی ما برقرار باشد. ستون، هفته پیش در حالی نوشتیم که در «ترن خواب» به سمت دروازه غربی روسیه در حرکت بودم و بی‌خواب شب‌های سفید پتربورگ، حالا سوار بر ترن به سمت شرق در حرکتیم؛ کازان، زمردی سبز بر تاج جهان اسلام و در شمالی‌ترین نقطه آن، قلب تاتارستان که امروز قلب مردمش برای ایران می‌زند.



در ستون اول بی‌آنکه تلاشی برای پیشگویی دیدار با مراکش کرده باشم، بی‌طرفانه راوی شواهدی از جرخش دراماتیک توپ جام بیستم به سود تیم ملی بودم و حالا که پیروزی یوزهای پارسی بر شیرهای اطلسی - هرچند این لقبی کذب است و ادعای مراکشی‌ها درباره زندگی شیرها در قلمرو این کشور سندیت تاریخی و جغرافیایی ندارد - به شگفتی‌سازی و حماسه آفرینی فوتبالی ایران تغییر می‌شود، باید بگویم فتح پتربورگ یک رویداد خلق‌الساعه نبوده و این هنوز از نتایج سحر است. از همان ساعات نخست پس از پیروزی پسر مراکش مصادف با شامگاه جمعه گذشته که همراه جمعیت هوادار ایرانی از جزیره کریستوفسکی، پایین پای اسکاندیناوی به داخل شهر و قلب تپنده پتربورگ، بلوار «فسکی» برگشتیم که به تسخیر هزاران ایرانی بوق و پرچم به دست در آمده بود، تحلیل‌هایی هوشمندانه از مردم عادی می‌شنیدیم که انگار مشهورترین مفسران در شبکه‌های متعدد داخلی و خارجی از جمله شبکه ۳ خودمان، ای‌اس‌بی‌ان آمریکا یا بی‌بی‌سی اسپورت و... زبان‌شان از گفتن آن الکن بود. یکی از مهم‌ترین آنها را از یکی از چند هزار روس که برای تشویق ایران به ورزشگاه آمده بودند، شنیدم. جالب اینکه او اهل مسکو بود نه پتربورگ و رشته مورد علاقه‌اش هم بسکتبال بود نه فوتبال و به نکته عجیبی اشاره کرد: «اینجا جام جهانی فوتبال است اما شما بسکتبال بازی کردید و بردید! اگر بتوانید به بسکتبال بازی کردن جلوی فوتبالیست‌های بزرگ اسپانیایی و پر تغالی ادامه دهید آن وقت گروه مرگ واقعا گروه مرگ می‌شود اما برای ستاره‌های بزرگ رقیب‌تان!» این زمانی بود که تسلاوی ۳-۳ اسپانیا و بر تغال هم مسجل شده و تیم «ایران صدرنشین گروه مرگ» به اخبار راه یافته بود. فوراً به یاد آوردم آخرین تیمی که به بسکتبال بازی کردن در زمین فوتبال مشهور شده بود، یونان بود که با فوتبالی ابردفاعی، فیزیکی و هوایی، با بستن تمام فضاهای زمین، از گروه دشوارش در یورو ۲۰۰۴ شامل بر تغال (میزبان)